

کلیسای ارتدوکس باید مالیات پیردازد

محمود فاضلی

■ ایرونیوموس، سراسقف کنونی کلیسای ارتدوکس یونان در جدیدترین اظهارنش پس از یک مراسم مذهبی اعلام داشت: «کلیسای ارتدوکس یونان بیش از دیگران به دولت یونان مالیات می‌پردازد». سخنان او در حالی است که کلیسا در دو سال اخیر از سوی دولت و افکار عمومی متهم است که در پرداخت مالیات به دولت سوسیالیست یونان که به‌شدت با مشکلات اقتصادی روبرو است، همکاری لازم را نداشته‌ است.

به نظر می‌رسد سخنان او در روزهای اخیر بی‌ربطه با فضای جدیدی که در فیس‌بوک علیه پاره‌ای از مخالفت‌های کلیسای ارتدوکس یونان در پرداخت مالیات به دولت ایجاد شده است، نیست. در هفته‌های اخیر ایجاد صفحه «مالیات کلیسا» در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و مراجعه بیش از ۲۰۰ هزار نفر از یونانیان و تأکید آنها بر پرداخت مالیات از کلیسای ثروتمند یونان، موجی از فشارها را علیه کلیسای ارتدوکس در پی داشته‌ است. در این حرکت، ۲۹ هزار نفر به شکل آنلاین این دادخواست را امضا کردند بسیاری از کسانی که به فیس‌بوک مراجعه کرده‌اند، تلاش کلیسا را برای فرار از مالیات مورد انتقاد قرار داده‌اند.

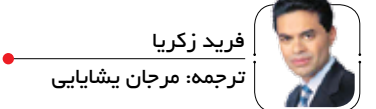
موضوع پرداخت مالیات از سوی کلیسا سومین سالی است که از سوی دولت و رسانه‌های این کشور مورد توجه قرار می‌گیرد. کلیسا که در سال ۲۰۰۹ و در آغاز بحران اقتصادی این کشور تمایلی به پرداخت مالیات نداشت، به‌دنبال تنش‌های متعدد میان اسقف اعظم و نخست‌وزیر، مقرر شد، مالیات اموال خود را به دولت پرداخت کند. کلیسای یونان که به دلیل سنت وقفه داری اموال بسیاری است هرگز آماری از دارایی‌های افسانه‌ای خود منتشر نکرده است. گفته می‌شود کلیسای یونان در سال ۲۰۱۰ مبلغ ۲۱۵ میلیون یورو به‌عنوان مالیات پرداخت کرده است که ۱۰۲ میلیون یورو آن از سهم دارایی‌ها و ۱۱۴ میلیون دیگر آن از درآمدهای کلیسا بوده است. کلیسای یونان که در سال‌های اخیر اقدام به خرید باشگاه فوتبال، هتل، موسسات و صومعه‌ها کرده، عملا خود را وارد رقابت‌های اقتصادی این کشور کرده است. طبق قانون جدید، کلیسای ارتدوکس یونان موظف است مالیات ۲۰ درصد حاصل خود را بپردازد.

کلیسای یونان البته دارای مخالفان زیادی است. به ادعای مخالفان، فساد و سوءاستفاده از آزادی و ثروت غیرقانونی از ویژگی‌های کلیسای یونان بوده است که همگام با فاسدشدن نظام سیاسی، باعث محروم‌شدن ملت از عاملین ایده‌آل در پیشرفت آنها شده است. با وجود تلاش کلیسا در سال‌های اخیر، موارد متعددی از فساد کلیسا از سوی رسانه‌ها افشا شده است.

یونان یکی از مهم‌ترین کشورهای جهان مسیحیت ارتدوکس محسوب می‌شود. حدود ۹۷درصد مردم یونان پیرو مسیحیت ارتدوکس بوده و کلیسای ارتدوکس یونان از مهم‌ترین کلیساهای جامعه ارتدوکس شرق است. رهبر کلیسا متوئل ۱۹۳۸ در شهر اینوفینا و فارغ التحصیل دانشکده فلسفه دانشگاه آتن است. او در دانشگاه گراتز اتریش و دانشگاه مونیخ آلمان ادامه تحصیل داده است. در ادامه در موسسه باستان‌شناسی آتن، مدرسه لئونتیو و چند مدرسه به‌عنوان دبیر ادبیات فعالیت داشته است. از سال ۱۹۶۷ وارد جامعه روحانی شده و چهار سال نیز دبیر شورای عالی کلیسای بود. او یکبار متهم به فساد مالی شد که در دادگاه تبرئه شد. کلیسای یونان پس از مقام «ریاست‌جمهوری» بیشترین محبوبیت را در میان افکار عمومی دارد.

در حالی که مالیات‌های جدید در ادامه برنامه‌های ریاضت اقتصادی دولت یونان، به منظور کاهش کسری بودجه این کشور وضع می‌شوند و کاهش هزینه‌های دولتی نیز موجب بی‌کار شدن هزاران نفر و همچنین کاهش دستمزدها شده است، مالیات‌گریزی سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی و همچنین مردم این کشور، از مهم‌ترین چالش‌های دولت حاکم بر یونان است. در ماه‌های اخیر سندیکاهای یونان و صاحبان مشاغل مختلف که بودجه دولتی از دستمزدهایشان کاسته شده، بارها اقدام به اعتصاب کردند. بحران مالی، این کشور را با بحران بی‌کاری نیز روبرو کرده است. نرخ بیکاری در این کشور بیش از ۱۶ درصد است. نهادهای مالی بین‌المللی از جمله بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول، برای مقابله با بحران مالی یونان بیش از ۱۲۰ میلیارد یورو وام، طی چند مرحله در اختیار این کشور قرار می‌دهند. این رقم به منظور بازپرداخت بدهی‌های یونان تا پایان سال ۲۰۱۴ و همچنین مقابله با کسری بودجه، به این کشور پرداخت می‌شود.

پرداخت این وام با این شرط همراه خواهد بود که یونان کسری بودجه خود را به شدت پایین بیاورد؛ کاری که دولت تصمیم دارد با کوچک کردن بخش دولتی، از طریق کاهش تعداد مشاغل، کاهش دستمزدها و واگذاری آن به بخش خصوصی انجام دهد. دولت یونان همچنین در نظر دارد مالیاتی برای اسلاک تعیین کند که مردم آن را همراه با قبض برق خود بپردازند، البته نماینده صندوق بین‌المللی پول در یونان با این طرح موافق نیست. از دیدگاه او نباید مالیات‌ها را مرتب بالا برد. این کار نه از نظر سیاسی قابل دوام است و نه از نظر اقتصادی. یک نظام مالیاتی با کارایی بیشتر، مفیدتر خواهد بود. بسیاری از تحلیلگران معتقدند امروز یونان تنها به یک دلیل بسیار ساده قادر به پرداخت دیون خود نیست و آن مالیات‌گریزی یونانی‌هاست.



فرید زکریا ترجمه: مرجان پیشایایی

ادمیرال مایکل مولن، رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا، در آخرین اظهارات رسمی خود آشکارا از ارتباط ارتش پاکستان و گروه حقانی، تندروترین گروه تروریستی که عملیات خود را در خاک افغانستان انجام می‌دهد، پرده برداشت.
فلش گوبی‌های ادمیرال مولن همان صحبت‌هایی بود که در محافل خصوصی مسوولان دولتی ایالات متحده سال‌هاست دهان به دهان می‌گردد؛ ولی پرسش اینجاست که مولن چرا اکنون نظرات خود را در رسانه‌ها با صدای بلند عنوان می‌کند؟

دیرزمانی بود که ارتش آمریکا و ارتش پاکستان با هم کنار آمده بودند و یکدیگر را به چشم همکاریان حرفه‌ای نگاه می‌کردند و ارتش آمریکا برای سال‌ها یار و یاور ارتش پاکستان به حساب می‌آمد. در این مدت مسوولانی مانند مولن حلقه‌ای از زنجیر دوستی دو طرف بودند.
مولن ۲۷بار به پاکستان رفته است و بارها با ژنرال کیانی، فرمانده ارتش پاکستان ملاقات داشته، ارتش آمریکا سرمایه‌گذاری عظیمی برای ایجاد و حفظ این ارتباط انجام داده است. فرماندهان ارتش آمریکا این سرمایه‌گذاری را با اظهاراتی از این دست با پاکستانی‌ها هماهنگ کرده‌اند: «ما در تلاش برای گرفتن شبیه نظامیان

هستیم. ولی توان ما آنقدرها هم که فکر می‌کنید نیست. باید به نقاط دورافتاده‌ای از کشور برویم که قبلا پامیان را نگذاشته بودیم. با این وجود عملیات موفق زیادی انجام داده و در جنگ با شبه‌نظامیان تلفات زیادی داشته‌ایم. پس وقت بیشتری به ما بدهید و وضعیت ما را در ک کنید».
مسوولان آمریکایی همواره با سخنانی از این دست مدرا می‌کردند ولی در عین حال نظر دیگری نیز موازی با این مدرا پیش می‌رفت «ارتش پاکستان یک هیولای خون آشام را در دل گروه‌های شبه نظامی تندرو خلق کرده است».
برخی از این گروه‌ها دست بالا را در پاکستان پیدا کرده‌اند. برخی دیگر خاک پاکستان را رها کرده و عملیات خود را علیه افغان، ه‌ایندی‌ها و غربی‌ها به افغانستان منتقل کرده‌اند.
طرقداران نظریه «هیولای خون آشام» می‌گویند: ارتش پاکستان به خوبی می‌داندسته مهار این گروه‌ها از دستش خارج می‌شود ولی همچنان میلی به قطع ارتباط یا آنان نداشته است چرا که فکر می‌کند گروه‌های شبه نظامی راهی ارزان قیمت و کارا برای نگه داشتن افغانستان و هند در گوشه رینگ بوکس‌اند و پنهانی حافظ منافع پاکستان هستند سال‌ها برای مردانی چون مولن، این وضع ارتش پاکستان پذیرفتنی بود.
آمریکا تنها در خفا ارتش پاکستان

دیدگاه

زبان آتشین ژنرال‌ها

را برای جنگ با شبه نظامیان تندرو در فشار می‌گذاشت. ولی سه‌چیز موجب تغییر رویکرد سال‌های گذشته شد. -اول آنکه در سلسله عملیات ایالات متحده و سربازانش هدف حملات مرگبار قرار گرفتند.

-حوم، هر روز شواهد بیشتری به دست آمد دال بر اینکه گروه‌های افراطی اجراکننده عملیات مرگبار در ارتباط نزدیک با ارتش پاکستان هستند. این به آن معنا نیست که ارتش پاکستان این گروه‌ها را راه انداخته ولی ارتباط بین آنها یک امر اتفاقی نیست. ارتش پاکستان سرمایه‌مورد نیاز این گروه‌ها را تأمین می‌کند، به آنان اجازه می‌دهد در فضایی امن به حیانتشان ادامه دهند و اطلاعات لجستیکی در اختیارشان می‌گذار.

-سوم، سوءظن‌ها وقتی بالا گرفت که ارتش آمریکا بن لادن را در نزدیکی یک مجتمع آموزشی ارتش پاکستان پیدا کرد.

مجموعه این عوامل سبب شد آدم‌هایی از نوع مولن کار را از اعمال فشار بر پاکستانی‌ها در جماعه خصوصی به فلش گوبی‌های علنی بکشانند.
نمی‌دانم چنین برخورد‌های بی‌برده‌ای راه به جایی دارد یا نه. راه نوبی که آمریکا درباره

پاکستان در پیش گرفته است می‌تواند توهینی تلقی شود از طرف ارتش آمریکا به ارتش پاکستان. باید توجه داشت که ارتش پاکستان توان آن را دارد که به‌محض احساس خطر یک جریان ناسیونالیستی رسانه‌ای راه بیندازد. تعداد بی‌شماری از کارکنان ارتش پاکستان با دوستاندار آن، رسانه‌ها و اعضای پارلمان اعمال هر نوع فشاری از طرف ارتش آمریکا را به ارتش پاکستان حمله به پاکستان تلقی کرده و محکوم می‌کنند. چنین فضایی می‌تواند واکنش پیش‌بینی شده ناسیونالیستی در پی داشته باشد.
داستان غم‌انگیز آن است که ایالات متحده در واقع طرف مردم پاکستان است. این به نفع پاکستان است که جامعه مدنی قوی، دولت غیرنظامی و نظامی دموکراتیک داشته باشد. دولت غیرنظامی باید برتری خود را به دست آورد و پیوندهای میان نهادهای امنیتی پاکستان را با گروه‌های افراطی جهادی قطع کند. به نفع مردم پاکستان است که به جای باوری که ارتش با سرویس‌های اطلاعاتی از منافع ملی ترسیم کرده اند تفسیری مناسب و غیرنظامی از منافع ملی در ذهن داشته باشد. منافع مردم پاکستان در کاهش جدال‌های پنهان و تنش‌های امنیتی است. ارتش پاکستان به جای آنکه مدام سرگرم بازی‌های ژئوپولیتیک باشد باید به استراتژی دراز مدت خود در افغانستان بپردازد و با کمک گروه‌های شبیه نظامی هند را در وضعیت تدافعی قرار دهد. توسعه اقتصادی اکنون باید هم و غم رهبران پاکستان باشد.

منبع:سی‌ان‌ان

روابط آمریکا و اخوان المسلمین آفتابی می‌شود

ضرورت استراتژیکی و امنیتی برای مقابله با جنبش‌های تندرو مطرح شده بود.

با این حال تردیدهایی در درون همین جریان نیز که ترجیح می‌دهد با این نوع اسلام سیاسی کار کند، وجود دارد. به خصوص وقتی به مسایلی نظیر نزاع اسرائیلی – فلسطینی و با مسایل اسلامی دیگر می‌رسد، زیرا به نظر آنها مواضع اخوان در این رابطه کاملاً مبهم است. هرچند العریان یکی از رهبران این جنبش در سال ۲۰۰۷ گفته بود که این حزب با اسرائیل، بر مبنای سیاستی واقع‌گرایانه برخورد می‌کند و با واقعیت‌های موجود که نشان می‌دهد اسرائیل دولتی موجود و دارای واقعیتی خارجی است ستیزی ندارد. العریان این مساله را برای اطمینان‌بخشیدن در غرب و اسرائیل عنوان کرده و به‌علاوه افزوده بود که این جنبش توقفات بین‌المللی از جمله کمپ دیوید را می‌پذیرد.

در مجموع باید گفت روابط واشنگتن با اخوان المسلمین منحصر به اکنون نمی‌شود. یکی از جنبه‌های این روابط کمک‌های اطلاعاتی متعددی بود که اخوانی‌ها در گذشته در اختیار آمریکایی‌ها قرار دادند. در گذشته این امر معمول بود، زیرا از این گروه برای مبارزه با کمونیست‌ها و جنبش‌های چپ و قومگرا در دوران شوروی سابق و اشغال افغانستان استفاده می‌شد. از سوی دیگر واشنگتن نیز از طریق همین گروه سعی می‌کرد خود را به مسلمانان اروپا نزدیک کرده و چهره‌ای محبوب داشته باشد.

به هرحال همه اینها مربوط به دوران پیش از بهار عربی بود، اما اکنون اوضاع فرق کرده است و با وقوع انقلاب مصر و پدیدارشدن فضای سیاسی تازه، این روابط می‌رود که دیگر «محترمانه» باشد، به خصوص اگر اخوانی‌ها بتوانند به قدرت دست یابند. مساله‌ای که این جنبش با تمام قوا در پی کسب آن است، از این رو گفت‌وگو با آمریکا دیگر مانند گذشته نخواهد بود، چنانکه رشد البیومی معاون رهبری اخوان المسلمین می‌گوید: «باید گفت‌وگویی محترمانه باشد».

منبع:الحیات



منبع: فیکارو

منبع: فیکارو

منبع: فیکارو

روایت دست اول از آخرین روزهای مبارک

■ عبدالله کمال، سردبیر پیشین روزنامه مصری «ز الیوسف» که از روزنامه‌نگاران بانفوذ در دفتر حسنی مبارک بود جزئیاتی از لحظات آخر حضور رییس‌جمهور سابق مصر در قصر ریاست‌جمهوری و واگذاری قدرت به شورای‌عالی نیروهای مسلح فاش کرد. عبدالله کمال که معمود کسانی بود که می‌توانست به دایره تنگ تصمیم‌گیری در مصر نفوذ کند، وی در گفت‌وگو با روزنامه الاهرام از نقش اطرافیان مبارک از جمله حبیب العادلی و وزیر سابق کشور، زکریا عزمی، رییس دفتر و همچنین انس الفقی، وزیر اطلاع‌رسانی سخن گفت و آنها را به ویژه العادلی مسوول سرنگونی سریع رژیم حسنی مبارک معرفی کرد. او در این گفت‌وگو همچنین به شایعه تلاش جمال مبارک برای کودتا علیه پدرش نیز پاسخ گفت.

عبدالله کمال تأکید کرد در پنج سال اخیر شبکه اطلاع‌رسانی و روابط گسترده‌ای بین دولتمردان داشته است و در نظر دارد یک کتاب چهار جلدی در مورد دوران حکومت حسنی مبارک بنویسد.

او تأکید کرد تا ژانویه سال ۲۰۰۹ می‌توانست به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به رییس‌جمهور مصر دسترسی داشته باشد. او عامل اصلی بحران مصر را حبیب العادلی معرفی کرد و گفت: «گاه او فقط بی‌اهمیت شمردن حوادث مصر نبود او هیچ تحلیلی از عواقب بحران نداشت. العادلی بعد از ظهر روز «جمعه خشم» برای افتتاح مسجد یک مرکز پلیس در روستای الخمایل رفت و از آنجا مستقیم به منزل رفت» و افزود: «العادلی را در روز ۲۶ژانویه، یک روز پس از آغاز اعتراض‌ها دیدم؛ او در گوش من یک جک مستهجن گفت:اگر برای اینکه اوضاع را عالی بدو دهد ۲۰ تنه مشکلات در دست من گذاشت. آن موقع فهمیدم که یک مشکل واقعی وجود دارد» سردبیر پیشین «ز الیوسف» تأکید کرده عمر سلیمان رییس دستگاه امنیتی در ۱۹ ژانویه به حسنی مبارک گفت: حجم تظاهرات مانند گذشته نیست و پیشنهاد کرد رییس‌جمهور خود بحران را اداره کند اما مبارک موضوع را به نخست‌وزیر واگذار کرد تا در هیات وزیران بررسی کند. طنطلوی و عنان عبدالله کمال اعلام کردند در میان اطرافیان حسنی مبارک دو گروه تحلیل‌های جداگانه‌ای از بحران ارایه کرده بودند. گروه اول شامل جمال مبارک، صفوت الشریف و زکریا عزمی تأکید می‌کردند که مساله را با روش‌های عادی می‌توان حل کرد اما گروه دوم شامل سپهبد طنطلوی، سرلشکر عنان و عمر سلیمان از خطری که حاکمیت ملی با آن روبرو بود و از عواقب بحران بر کشور هشدار می‌دادند.

یکی از سوال‌های مهمی که عبدالله کمال به آن پاسخ داد مساله تلاش جمال مبارک برای کودتا علیه پدرش بود. پیش از این گزارش‌هایی منتشر شده بود که جمال مبارک با گسترش اعتراض‌ها درصدد کودتا علیه پدرش بود. همچنین گفته شد که او یک پیام تلویزیونی برای عبداللطیف المناولی، رییس بخش اخبار در تلویزیون دولتی فرستاد اما المناولی آن پیام را به ارتش تحویل داد. عبدالله کمال در این زمینه گفت: «عبداللطیف المناولی خود می‌تواند به این سوال پاسخ دهد اما رابطه بین جمال و پدرش بسیار عمیق‌تر از رابطه پدر و فرزند بود. این خانواده به شکل غیرقابل تصویری به همدیگر وابسته بودند» او در پاسخ به سوالی در مورد قطع تلفن همراه و اینترنت همزمان با گسترده شدن اعتراض‌ها تأکید کرد این اتفاق به دستور وزیر کشور صورت گرفت.

عبدالله کمال همچنین گفت: مبارک، جمال یا سوزان مبارک هیچ دستوری برای شلیک علیه تظاهرکنندگان صادر نکردند. او تأکید کرد: «این مساله به هیچ‌وجه اتفاق نیفتاده بود». او افزود: ایالات متحده آمریکا پس از فوت یاسر عرفات تصمیم گرفته بود از حمایت از مبارک خودداری کند. در این دوره روابط بین مصر و آمریکا بسیار پیچیده‌بود.

او افزود: اگر رییس‌جمهور مانند سال ۲۰۰۹ از همان سلامت جسمی و سیاسی برخوردار بود پیش از گسترده شدن خشم مردم به خواسته‌های آنها تن می‌داد و اجازه نمی‌داد موضوع ۱۸ روز طول بکشد. این روزنامه‌نگار مصری گفت: «مبارک در سال ۲۰۰۹ به دنبال گسترش اعتراض‌ها در پی حمله به غزه خود بحران را کنترل کرد، ریاست جلسات شورای امنیت ملی و اطلاع‌رسانی را برعهده داشت اما در بحران سال ۲۰۱۱ شورای امنیت ملی تشکیل جلسه نداد و وضعیت اطلاع‌رسانی بسیار بحرانی بود».

او در مورد زکریا عزمی، رییس دفتر مبارک نیز گفت: «او مسوول بسیاری از تصمیمات منفی بود. او در پشت پرده بسیار تلاش می‌کرد تا تنها مقام صاحب نفوذ در قصر ریاست‌جمهوری باشد. او برای سال‌ها جلوی تعیین جانشین رییس‌جمهور ایستاد. زیرا وجود این منصب از نفوذ او نزد رییس‌جمهور می‌کاست.» کمال در مورد رفتار زکریا عزمی هنگام گسترش اعتراض‌ها گفت: «او بسیار سرگردان و ترسیده بود؛ وی در سال‌های گذشته اشتباهات بزرگی مرتکب شده‌بود و محور اساسی اختلاف‌های حزبی بود. زکریا عزمی اوضاع را در پشت پرده اداره می‌کرد. هم‌پیمانی او با حبیب العادلی بسیار عمیق بود.»او تأکید کرد: رییس دفتر رییس‌جمهور همیشه از ماندن وزیر کشور در این پست دفاع می‌کرد.

منبع:العربیة